

جنگهای ترکیبی :

3. پیشبینی جنگهای ترکیبی در آینده

آندریوف کوریبکو



Par Andrew Korybko (USA) – Le 18 mars 2016 – Source [Oriental Review](#)

درباره آندریوف کوریبکو

تحلیلگر سیاسی آمریکائی مستقر در مسکو، کارشناس امور استراتژیک ایالات متحده در آفریقا، اورآسیا، راه ابریشم نوین و جنگ ترکیبی است. او در حال حاضر به عنوان تحلیلگر سیاسی در آژانس اسپوتنیک کار می کند و دوره دکترا در انستیتو دولتی مناسبات بین المللی مسکو MGIMO بوده و مونوگرافی « جنگ ترکیبی، رویکرد انطباقی غیر مستقیم برای تغییر رژیم» [Guerras hybrides: l'approche adaptative indirecte pour un](#)



[changement de régime](#) (2015) یکی از نوشته های اوست.

دو بخش نخست از سری مقاله های « جنگ ترکیبی »^۲ مفاهیم جدیدی را به نظریه جنگ ترکیبی افزوده است که با موفقیت در مورد سوریه و اوکراین به آزمون گذاشته شد و نشان داد که واقعاً روش شناسی

² جنگ ترکیبی. 1. قانون جنگ ترکیبی – جنگ ترکیبی 2. آزمون نظریه جنگ ترکیبی در مورد سوریه و اوکراین

خاصی برای توضیح و تحلیل جنگ ترکیبی می تواند وجود داشته باشد. در اینجا می توانیم ببینیم که این نظریه تا کجا می تواند به ابزاری برای پیشبینی محل وقوع این نوع از جنگ پسا مدرن به کار برده شود.

آزمون تئوریک

شناسائی اهداف

برای مراجعه به بخش 1، نخست باید از قانون جنگ ترکیبی یاد کنیم :

« هدف بزرگ در پشت پرده هر جنگی از نوع ترکیبی مخلدوش کردن طرح های چند قطبی فراملی مشترک بین کشورهای مستقل از طریق جنگهای هویتی تحریک شده از بیرون (قومی، مذهبی، منطقه ای، سیاسی و مانند اینها) در بطن دولت گذرگاه³ و هدف گیری شده است. »

با توجه به این موضوع، مرحله بعدی عبارت است از شناسائی طرح های بزرگ فراملی چند قطبی متصل به یکدیگر، در شرف تکوین یا پیشبینی شده، در سراسر جهان. پس از انجام این مهم در گام نخست، هر دولت گذرگاهی (مرتبط به طرح های فراملی و چند قطبی) بر اساس بیشترین نقاط ضعف در پیوند با پیچیدگی های اجتماعی و سیاسی مورد سنجش قرار می گیرد. در عرصه امور اجتماعی از 6 عنصر به شکل ذیل یاد می کنیم :

1. قومیت
2. دین
3. تاریخ
4. محدودیتهای دولتی
5. شکافهای اجتماعی و اقتصادی

³ دولت گذرگاه در اینجا به معنای دولت میزبان شبکه حمل و نقل یا به شکل گسترده تر طرح اتحادیه زیر کنترل آمریکا.

6. جغرافیای طبیعی

از اینجا به بعد، آنچه باقی می ماند تشخیص دولت گذرگاهی ست که بیش از همه دچار شکاف اجتماعی و اقتصادی بوده و سپس بر اساس تعیین کننده های جمعیت شناختی بنیادی تلاش برای ایجاد شرایط ضروری متارکه با قدرت مرکزی آغاز می شود. انسان شناسان فرهنگی، تاریخ شناسان، فعالان سازمانهای غیر دولتی، کارشناسان بازاریابی، رسانه ها و پژوهشگران مستقل، و دیگران نقش پیشگام را در فرآیند پیش شرطها و آمادگی اجتماعی به عهده می گیرند. این کارشناسان و فعالان در عین حال می توانند در سرویس های اطلاعاتی آمریکا ادغام شوند و مورد استفاده قرار گیرند و در انکشاف مؤثرین روشهای ممکن برای نفوذ ایدئولوژیک در روان ملتی که هدف گرفته شده بکوشند. به موازات این فرآیند، سطوح متنوع پیش شرط ساختاری نیز به هدف تشدید شکافی که به شکل مصنوعی بین دولت و عناصر استراتژیک شهروندی به وجود آورده به کار بسته می شود.



جنگ ترکیبی بطور کلی نظامی سازی نظریه هرج و مرج است و تا حدود نامتوازی به شرایط اولیه موجود پیش از ظهور وضعیت بی ثبات بستگی دارد. همانگونه که پیش از این درباره آن بحث کردیم، آسیب پذیری اجتماعی و اقتصادی در هر دولت هدف گیری شده نماگرهای مهمی برای سنجش توفیق احتمالی طرح عملیات تغییر رژیم را در آینده تشکیل می دهد. ولی شش عامل اصلی به سختی تغییر پذیرند، و به ویژه در بازه کوتاه مدت، اگر تا کنون نقش خود را کاملاً در چشم انداز انتظاراتی که در طرح تجاوزگر وجود دارد بازی نکرده باشد. به همین دلیل، پیش شرط اجتماعی و ساختاری نقش فزاینده ای بازی می کند زیرا نظریات و تمایلات اقتصادی خیلی ساده تر از تغییر ترکیب قومی و مرزهای طبیعی قابل جهت دهی هستند. این دو ویژگی تشکیل دهنده که به ترتیب تحت تأثیر پیش شرطهای اجتماعی و ساختاری می باشد می تواند قویاً روی احساس میهن دوستی تمدنی و یا مدنیت شهروندان هدف گیری شده نفوذ کند، که بهترین دفاعی ست که دولت برای خنثی کردن جنگ ترکیبی در اختیار دارد.

در اینجا ما به نقطه ای رسیده ایم که باید یک بار دیگر نمونه های سوریه و اوکراین^۴ را یادآور شویم، زیرا در هر یک از این دو مورد، وضعیت در مسیر کاملاً متفاوتی دچار ریزش شد، و چنین تفاوتی تا حدود خیلی زیادی به دلیل سطح متفاوت میهن دوستی ریشه دار در تمدن مشترک و مدنیت موجود در دوران پیشا جنگ ترکیبی بود که علیه این دو کشور براه افتاد. این شرط اولیه بی هیچ تردیدی مهمترین عنصر بحرانی برای روشن کردن این موضوع بود که آیا عملیات بی ثبات ساز طی سالها بطول خواهد انجامید و یا اینکه موفقیت آن سریع و ساده به چنگ خواهد آمد.

مردم سوریه ریشه دار ترین میهن دوستی تمدن-پایه^۵ را در جهان از خود نشان می دهند، و همین امر به سهم خود استقامت این کشور را برای مقاومت علیه تجاوز جنگ ترکیبی چند بُعدی افزایش داده است. در نتیجه، ایالات متحده و هم پیمانانش مجبور شدند برای تأمین پشتیبانی دائمی از عوامل نیابتی استفاده و به شکل مصنوعی روند هرج و مرجی را که تصور می کردند خودگردان خواهد بود حفظ کنند. در صورتی که این پشتیبانی خارجی مختل شود، مستقیماً به معنای تضعیف آشکار عناصر جنگ ترکیبی در داخل کشور و سپس ریشه کن شدن آنها خواهد بود.

بر عکس، در اوکراین وضعیت کاملاً در قطب مخالف بود، میهن دوستی تمدنی ابداً حضور نداشت، با وجود میراث غنی روس کیف^۶ و هیچ گونه میهن دوستی مدنی^۷. همه کاری که ایالات متحده باید انجام می داد، سازماندهی مؤثر اقلیتهای فعال و مناسب بود تا با علامت او بی ثبات سازی را در اتحاد با یکدیگر آغاز کنند.

روند هرج و مرج بر اساس نظریه به جریان افتاد و سرآغازی شد برای جان گرفتن و کسب حیاتی که در تعلق خاص آن بود، وضعیتی که خلاف باتلاق استراتژیکی که ایالت متحده در سوریه گرفتار آن شده بود، از این پس در اوکراین فقط به حداقل جهت دهی نیاز داشت. یگانه مداخله مهمی که ایالات متحده انجام داد حمله زیر پرچم دروغین به وسیله تیراندازان ماهر^۸ در پایان فوریه 2014 در میدان میدان (Maidan)

⁴ مترجم : مراجعه شود به بخش دوم : جنگهای ترکیبی : 2. آزمون نظریه جنگ ترکیبی در مورد سوریه و اوکراین

⁵ مترجم : تمدن پایه اصطلاحی که ممکن است نامأنوس بنظر رسد، این اصطلاح را من بر اساس واژگان رایج نظامی در ارتش ایران در نظر گرفته ام مانند «موشکهای دریا پایه» «هوا پایه»، میهنی دوستی تمدن پایه به معنای ریشه دار بودن احساس میهن دوستی در تاریخ گذشته است و در فاصله با میهن دوستی مدنی قرار دارد. به پاورقی شماره 6 نیز مراجعه کنید.

⁶ Rus de Kiev –

https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B1%D9%88%D8%B3_%DA%A9%DB%8C%D9%81

⁷ مترجم : در نوشته های کوریبکو غالباً با تفکیک میان میهن دوستی تمدنی و میهن دوستی مدنی روبرو هستیم. از دیدگاه نظریه پرداختی میهن دوستی عشق به ملت و آنانی ست که فرد از آن خود می داند، همراه است با نوعی افتخار تعلق به یک جامعه یا ملت و ریشه در تمدنی دیرینه دارد. ولی میهن دوستی مدنی به طریق اولی به رفتار در جامعه باز می گردد، فردی که به اصول و قوانین احترام می گذارد، و حرکتی که به شکل روزمره استفاده می کند. ولی در این نوع میهن دوستی احساس ملی و میهن دوستی وجود ندارد.

⁸ [attaque sous faux drapeau par des snipers](https://youtu.be/9tXY23A_ZI)

https://youtu.be/9tXY23A_ZI

بود، و چنین حرکتی به این علت انجام گرفت زیرا احساس کرده بودند که فرصت اجتناب پذیری برای به حداکثر رساندن هرج و مرج وجود دارد تا دولت را فوراً سرنگون کنند.

برای خلاصه کردن این بخش، دو نمونه متفاوت فوق العاده بارز جنگ ترکیبی در سوریه و در اوکراین نشان می دهد که وضعیت اولیه میهن دوستی ریشه دار در تمدن (یا میهن دوستی تمدن پایه) و میهن دوستی از نوع مدنی عنصر تعیین کننده برای تأثیر گذاری طی جنگ نامتعارف است، و در نتیجه این موضوع باید هشدار می باشد برای کارشناسان امنیت دمکراتیک⁹ درباره اهمیت هستی شناختی پشتیبانی از شیوه عمل چنین اقداماتی در دولت هدف گیری شده¹⁰ خاص خودشان.

از هم گسیختن افسار خشم



سرانجام، باید به نخستین مراحل جنگ ترکیبی بپردازیم و بطور مختصر حدود تاکتیک نظریه کاربردی در دو گروه خاص از دولتها را توضیح دهیم. آنچه مربوط به تشابهات نخستین مرحله مشترک در اکثریت دولتها می شود، یک رویداد از پیش تعیین شده، عموماً یک رویداد نمادین مانند بزرگداشت تاریخی مهم، رأی

پارلمانی/انتخابات ریاست جمهوری، یا خشونت دولتی علیه شهروندان که به شکل مصنوعی تحریک شده، یا کاملاً اتفاقی بر حسب چرخش رویدادها¹¹، برای مثال، تصمیم یانوکویچ در آخرین دقیقه برای به تأخیر انداختن توافق پیوستن به اتحادیه اروپا به عنوان علامت برای ادغام سلولهای پراکنده مورد استفاده قرار گرفت که زیربنای اجتماعی برای تغییر رژیم در یک توده ضد دولتی معترض را تشکیل می داد که جریان انقلاب رنگی را به حرکت درآورد و اعلام نخستین مرحله جنگ ترکیبی بود.

اگر کودتای نرم که غالباً همراه با تروریسم شهری گُشده است [یعنی تروریسمی که خسارات جانی بر جا می گذارد] نتواند به هدفش دست یابد، در این صورت کودتای سخت با جنگ نامتعارف علیه دولت در مانده و شهروندان میهن دوست راه اندازی می شود و الگوی جنگ ترکیبی را به اجرا می گذارند.

⁹ [sécurité démocratique](#)

¹⁰ مترجم فرانسوی: برای تقویت سیمان تمدنی

¹¹ مترجم: متأسفانه من هنوز فرهنگ واژگان مشخصی برای عناصر نظریه پرداختی در بررسی جنگ ترکیبی در اختیار ندارم و یا از آن بی اطلاع. با وجود این در ترجمه نوشته های کوریکو جابجا سعی کرده ام اصطلاحاتی را مشخص در پیکره گفتمان قابل شناسایی کنم. در ترجمه متن های دیگر این رویداد نمادین... را رویداد «مسبب» یا «فرصت طلائی» نامیده ام.

هر جنگ نامتعارف با انقلاب رنگی شروع نمی شود و هر انقلاب رنگی الزاماً به جنگ نامتعارف نمی انجامد، ولی هدف استراتژیک که در طرح ایالات متحده در اولویت قرار دارد در اختیار داشتن دو شکل از تغییر رژیم است که به شکل هماهنگ ادغام تدریجی فشار ضد دولتی را تنظیم و هر بار که امکانی وجود داشته باشد به تدریج فشار را تشدید می کند.

برخی جوامع با جامعه مدنی کاملاً توسعه یافته، نسبت به استانداردهای جهانی بازناسی شده در غرب، و بدون پیش زمینه آسیب پذیری اجتماعی سیاسی چندان مهم، برای مثال مانند دانمارک، هرگز نمی تواند متحمل این وجه نامتعارف از جنگ ترکیبی شود و احتمالاً فقط قربانی نوعی انقلاب رنگی خواهد شد. با وجود این، تجدید سازمان داده های جمعیت شناختی، برای مثال با بحران پناهندگان، این وضعیت می تواند به شکل پیشبینی پذیری تغییر کند و درجه حساسیت کشور را نسبت به جنگ ترکیبی کامل خیلی بالاتر ببرد.

در ادامه چنین مسیری، دولتهائی که فاقد جامعه مدنی قوی یا بدون جامعه مدنی می باشند به مفهومی که در سنت غربی رایج است، ولی به شکل گسترده دارای شرایط اجتماعی سیاسی برای جنگ نامتعارف هستند همان گونه که نمونه جمهوری آفریقای مرکزی نشان داده است، این دولتها می توانند مستقیماً بدون گذار از مرحله انقلابی رنگی به دامن مبارزه هویت محور (یا هویت پایه) در جنگ ترکیبی پرتاب شوند. مانند نخستین نمونه ای که مطرح کردیم، این جریان می تواند در پی تجدید سازمان جمعیت شناختی در جامعه تغییر کند، هر چند به شکل متفاوت، وقتی توسعه اقتصادی سریع، احتمالاً به پشتیبانی چینی ها، بتواند به پیدایش طبقه متوسط نوظهور بیانجامد، صفوف شورشی ها را برای انقلاب رنگی تقویت خواهد کرد.

در نمونه هائی که به ندرت به وقوع می پیوندد، این احتمال نیز وجود دارد که جنگ ترکیبی به شکل معکوس عمل می کند، یعنی جنگ نامتعارف پیش از انقلاب رنگی واقع می شود. تا حدودی، می توانیم بگوئیم که جنگ داخلی طولانی در میانمار (برمه پیشین) شرایط مساعدی برای انقلاب رنگی 1989 و به قدرت رسیدن آنگ سان سو چی^{۱۲} فراهم کرد. در حالی که به دو دهه نیاز داشت تا قدرت را تصاحب کند و سرانجام موفق شد، و روشن است که فضای جنگ نامتعارف در طول زمان پیش شرطی بود تا تودها برای پذیرش او آمادگی پیدا کنند. به همین گونه، رویدادی مشابه در آفریقای غربی با بوکو حرام^{۱۳} در شرف تکوین است. هر یک از چهار دولت منطقه دریاچه چاد^{۱۴} زیر فشار نیرومند گروه تروریست و اعمال خشونت است که به ایجاد وضعیتی انجامیده که حتی انقلاب رنگی بی سرو سامان شانس موفقیت نهائی را افزایش می دهد، بطور مشخص به دلیل نگرانی های دولتهائی که بوکو حرام هدف گرفته است.

¹² [Aung San Suu Kyi](#)

¹³ [Boko Haram](#)

¹⁴ مترجم: چهار کشور پیرامون دریاچه چاد (با آب شیرین): کامرون، چاد، نیجر و نیجریه

این نمونه به ویژه با وضعیت چاد انطباق می یابد که پایتخت آن انجامنا خیلی نزدیک به میدان نبرد است و تا کنون قربانی چند سوء قصد انتحاری بوده. یک انقلاب رنگی نوظهور ضریب نیروی نهائی برای افزایش شانس سرنگونی دولت بدست بوکو حرام یا شورشی های شهری یا با تلاش ضمنی و هماهنگی بین هر دو خواهد بود. از دیدگاه «تئوریک استانداردیزه»، مبارزان¹⁵ جنگهای نامتعارف با تیم انقلاب رنگی که اخیراً فعال شده اند متحد می شوند تا با جابجائی به شکل تعیین کننده تعادل نیروهای ضد دولتی را به نفع هدف مشترک برای تغییر رژیم فراهم کنند.

یگانه آلترناتیو این سناریو برای نیروی نظامی سرکوب توده «تظاهر کنندگان» به شکل شدید در زمان و مکانی است که پیش از ارتکاب به مرحله بعدی تجمع می کنند، باید فوراً همه تروریستهای که در تلاش برای بهره برداری از هرج و مرج هستند از بین ببرند، این سناریو به همان اندازه که برای چاد حقیقت دارد برای هر دولت دیگری که در معرض خطر جنگ ترکیبی معکوس¹⁶ قرار بگیرد معتبر خواهد بود.

کاربرد عملی

اگر همه آنچه را که تا امروز مورد بررسی قرار داریم و در نمونه های سوریه و اوکراین به اثبات رساندیم در نظر بگیریم، اکنون وقت آن رسیده است که درسهای جنگ ترکیبی را برای پیشبینی مکانی به کار ببریم که در آینده می خواهد بر پا شود.

با نفوذترین طرح های فراملی و چند قطبی مشترک از سوی روسیه و چین توسعه یافته، و دو طرح از مهمترین آنها اتحادیه اوراسیا و طرح راه ابریشم نوین (*New Silk Road*) است. فضای مشترک اتصالی آنها در آسیای مرکز به این معناست که هر گونه بی ثباتی در سطح کلان در این منطقه می تواند هدف مضاعفی را دست یافتنی سازد (با یک تیر دو نشان) و وزنه تعادلی برای مقابله با بلند پروازیهای دو قدرت بزرگ با یک حرکت ماهرانه ژئوپلیتیک فراهم کند، و این موضوعی است که علت حضور خطر بزرگ جنگ ترکیبی، در آینده نزدیک را برای در هم شکستن آنها توضیح می دهد.

از سوی دیگر، با وجود این، ادغام مستقیم همکاری استراتژیک روسیه و چین وجود ندارد، بجز در بالکان¹⁷، ولی حتی در آنجا نیز همگرایی منافع نسبت به آسیای مرکزی کمتر به یکدیگر متصل و توسعه یافته است. روشن است که این موضوع در این سناریو دومین منطقه آسیب پذیر برای جنگ ترکیبی در آینده را به وجود می آورد، با این حساب که برای آمریکا پیشدستی در فرجام دو طرح کلان را ضروری می سازد که

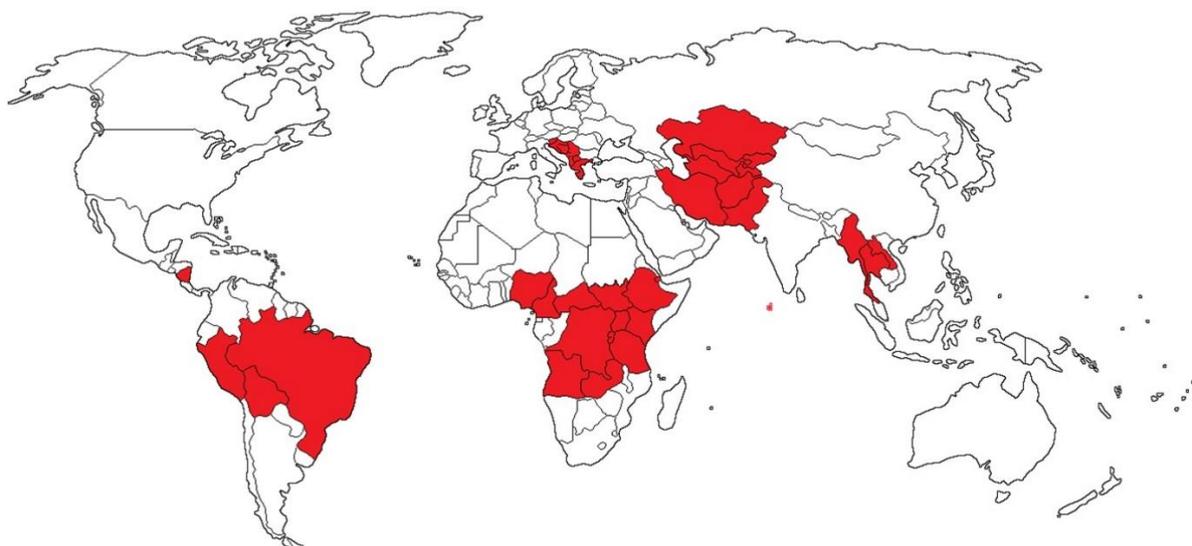
¹⁵ مترجم: به سخن دیگر: مزدوران مسلح یا «مرسوهرای به خدمت گرفته شده»

¹⁶ مترجم: جنگ ترکیبی معکوس، یعنی روند تغییر رژیم که از جنگ نامتعارف تروریستی با خسارات جانی شروع می شود بی آنکه از انقلاب رنگی عبور کرده باشد. انقلاب رنگی پس از جنگ نامتعارف شروع می شود.

¹⁷ [les Balkans](http://les.Balkans)

عبارتند از کشورهای بالکان، ترک استریم^{۱۸} و راه ابریشم نوین^{۱۹} که می تواند قاطعانه میزان تعادل استراتژیک به نفع جهان چند قطبی و در نتیجه تمایل اروپا به سوی آن را رقم بزند.

مناطق دیگری که در خطر جنگ ترکیبی و هدف گرفته شده اند مشخصاً به دلیل همکاریشان با راه ابریشم نوین چین است، و این کشورها جزء «هارتلند بزرگ»^{۲۰} می باشند، ایران، افغانستان و پاکستان، بخش غربی انجمن ملل آسیای جنوب شرقی^{۲۱}، جزیره های مالدیو در اقیانوس هند، دالان وسیعی از آفریقای فرا استوائی که قاره را از یک اقیانوس به اقیانوس دیگر متصل می کند، و برزیل، پرو و نیکاراگوئه در آمریکای لاتین. نقشه ای که در پی آمده به روشنی مناطق جغرافیائی یاد شده در بالا را نشان می دهد که بیش از همه در تهدید جنگ ترکیبی به سر می برند :



در مناطق شناسائی شده، و به استثناء دولت خود مختار مالدیو، کشورهای اصلی که بی ثباتی بر اساس هویت بوده و به دلیل برخی دلایل ویژه و مجموعه شرایط دارای بیشترین استعداد برای جنگ ترکیبی هستند. واقعی ترین بر اساس احتمال نسبی کشورهای پی آمده اند : ازبکستان در «هارتلند بزرگ»^{۲۲}، جمهوری مقدونیه در بالکان، میانمار در انجمن ملل آسیای جنوب شرقی، جیبوتی و اتیوپی در آفریقا، و نیکاراگوئه در آمریکای لاتین. اگر نقشه بالا را بخواهیم به شکل ساده تری نشان دهیم فقط با شاخص سبب ساز ژئوپلیتیک به شکل ذیل شباهت خواهد داشت :

¹⁸ [Turkish Stream](#)

¹⁹ [route de la soie.](#)

²⁰ [Grand Heartland](#)

²¹ ASEAN

²² [Grand Heartland](#)



پس از بررسی اهداف اصلی جنگ ترکیبی، مقاله های بعدی روی هر منطقه معین روی شناسائی رویداد سبب ساز (لحظه فشار روی ماشه برای شلیک یا جرقه آغازین) تأکید خواهد داشت که باید آتش گسترده تری را تحریک کند یا اعمال مخرب به شکل ترمیم ناپذیر (یا بازگشت ناپذیر) علیه طرح های مشترک فراملی که در آن شرکت دارند. یگانه استثناء در اندازه های این نظریه که توضیح دادیم جزیره های مالدیو است، زیرا نویسنده پیش از این تحلیل جامعی از آن در سه بخش^{۲۳} درباره خطر جنگ ترکیبی و مداخلات ژئوپلیتیک گسترده تر در بی ثبات سازی آن عرضه کرده است. درباره این داده های مقدماتی مقاله های بعدی به ترتیب به آسیای مرکزی، بالکان، انجمن کشورهای آسیای شرقی، آفریقا و آمریکای لاتین می پردازد.

هر بخش با تشریح اهمیت ژئو اکونومیک منطقه شروع می شود یا به سخن دیگر، چگونگی تطبیق آن با قانون جنگ ترکیبی. سپس، بررسی مختصر برخی از مهمترین آسیب پذیری های اجتماعی سیاسی برای هر دولتی که می تواند مشمول سناریوی جنگ ترکیبی شود. سرانجام، آخرین بخش به ویژه روی هدف مرکزی در هر منطقه تمرکز خواهد داشت و توضیح خواهد داد که چگونه جنگ ترکیبی می تواند به سرعت طرح فراملی چند قطبی مشترکی که آن دولت در آن شرکت دارد را از بین می برد.

²³ [trois parties](#)

لینک متن اصلی :

<https://lesakerfrancophone.fr/guerres-hybrides-3-predire-les-prochaines-guerres-hybrides>

ترجمه حمید محوی

گاهنامه هنر و مبارزه/پاریس/3 دسامبر 2019